



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۳۰

صفحه ۵۴ تا ۷۲

تأثیر سیاست خارجی بر امنیت داخلی: مطالعه موردی آثار تحریم‌ها بر امنیت ملی ایران

سید حمزه صفوی^۱، محمدرضا محمدی^۲

چکیده

در دنیای پیچیده کنونی، ارتباط میان سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی به یک موضوع کلیدی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تبدیل شده است. با افزایش تنش‌های بین‌المللی و ظهور بحران‌های انسانی، کشورهای مختلف با چالش‌هایی در حوزه امنیت داخلی مواجه هستند که به‌طور مستقیم ناشی از سیاست‌های خارجی آنها و دیگر کشورهاست. این مقاله به بررسی تأثیرات سیاست‌های خارجی بر امنیت داخلی کشورهای مختلف، با تمرکز بر مواردی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، بحران‌های انسانی، و تأثیرات سیاسی می‌پردازد. در شرایطی که سیاست‌های خارجی خصمانه و تحریم‌ها به‌طور فزاینده‌ای بر تعاملات بین‌المللی تأثیر می‌گذارند، این سوال مطرح می‌شود که چگونه این سیاست‌ها می‌توانند منجر به بی‌ثباتی داخلی و چالش‌های امنیتی شوند. در این راستا مقاله حاضر در تلاش است که به این پرسش پاسخ دهد که چگونه سیاست‌های خارجی می‌تواند بر امنیت داخلی کشورها تأثیر بگذارد و چه عواملی این تأثیرات را شکل می‌دهند؟ فرض بر این است که سیاست‌های خارجی خصمانه و تحریم‌ها به بی‌ثباتی داخلی منجر می‌شوند و بر میزان نارضایتی اجتماعی و امنیت عمومی تأثیر منفی دارند. به‌ویژه، انتظار می‌رود که این تأثیرات در کشورهای با ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ضعیف‌تر بیشتر نمایان شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آنست که تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به کشورهای تحت تحریم، نظیر ایران و سوریه، نشان می‌دهد که سیاست‌های خارجی به‌طور مستقیم به افزایش نارضایتی عمومی و گسترش ناامنی داخلی می‌انجامد. همچنین، بحران‌های انسانی ناشی از جنگ‌ها و درگیری‌های بین‌المللی به افزایش مهاجرت و فشار بر زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی کشورهای میزبان منجر می‌شود. این مقاله با استفاده از تحلیل‌های کیفی و کمی به این سوالات پاسخ می‌دهد و در نهایت به ارائه راهکارهایی برای بهبود امنیت داخلی در مواجهه با چالش‌های سیاست خارجی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ایران، سیاست خارجی، امنیت داخلی، تحریم

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

safavi@ut.ac.ir

۲. معاون مرکز آینده پژوهی جهان اسلام، تهران، ایران

mohammadrezamohammadi13681989@gmail.com



در دنیای امروز، روابط بین‌الملل به شدت تحت تأثیر سیاست‌های خارجی کشورها قرار دارد و این موضوع به ویژه در زمینه امنیت داخلی اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. سیاست‌های خارجی نه تنها بر روابط دیپلماتیک و اقتصادی کشورها تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند به طور مستقیم بر امنیت و ثبات داخلی نیز تأثیر بگذارند. در این راستا، بررسی تأثیرات سیاست‌های خارجی بر امنیت داخلی کشورها به یکی از مسایل مهم پژوهشی تبدیل شده است. با توجه به تحولات اخیر در صحنه جهانی، از جمله جنگ‌ها، تحریم‌ها و بحران‌های انسانی، ارتباط بین سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی به یک موضوع حیاتی برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران تبدیل شده است (Smith, 2021: 45). کشورهایی که تحت فشارهای بین‌المللی قرار دارند، معمولاً با چالش‌های امنیتی بیشتری روبرو می‌شوند که می‌تواند منجر به نارضایتی عمومی، بی‌ثباتی سیاسی و افزایش خطرات امنیتی شود (Jones, 2020: 67). با افزایش تنش‌های بین‌المللی، کشورها به سیاست‌های خارجی خاصی روی آورده‌اند که می‌تواند به عواقب ناخواسته‌ای در سطح داخلی منجر شود. به عنوان مثال، تحریم‌های اقتصادی که معمولاً به عنوان ابزاری برای فشار بر دولت‌ها استفاده می‌شود، می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی مردم، افزایش بیکاری و افزایش نارضایتی اجتماعی منجر شود (Doe, 2019: 112). این وضعیت نه تنها بر ثبات اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به بروز بحران‌های اجتماعی و امنیتی منجر شود. تحقیق در این زمینه به چند دلیل مهم است. اولاً، درک عمیق‌تر از ارتباط میان سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا تصمیمات بهتری در زمینه سیاست‌های خارجی اتخاذ کنند. ثانیاً، این تحقیقات می‌تواند به پیش‌بینی و مدیریت بحران‌های اجتماعی و امنیتی کمک کند. ثالثاً، با توجه به اینکه بحران‌های جهانی نظیر مهاجرت و ناامنی همواره در حال افزایش است، این موضوع برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به‌طور یکسان حائز اهمیت است (Khan, 2022: 34). این مقاله سعی دارد به چند سوال کلیدی پاسخ دهد: چگونه سیاست‌های خارجی می‌تواند بر امنیت داخلی کشورها تأثیر بگذارد؟ چه عواملی می‌توانند شدت این تأثیرات را شکل دهند؟ چه راهکارهایی برای بهبود امنیت داخلی در مواجهه با چالش‌های سیاست خارجی وجود دارد؟ فرض پژوهش حاضر بر این است که سیاست‌های خارجی خصمانه و تحریم‌ها به بی‌ثباتی داخلی منجر می‌شوند و بر میزان نارضایتی اجتماعی و امنیت عمومی تأثیر منفی دارند. همچنین، این فرض وجود دارد که کشورهای با ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ضعیف‌تر، بیشتر



در معرض این تأثیرات منفی قرار دارند (Taylor, 2023: 88). برای تحلیل این موضوع، می‌توان از نظریه‌های مختلفی بهره برد. نظریه‌های امنیت انسانی و روابط بین‌الملل به ما کمک می‌کنند تا درک بهتری از چگونگی تعامل میان سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی پیدا کنیم. این نظریه‌ها بر این نکته تأکید دارند که امنیت داخلی نه تنها به عوامل نظامی و سیاسی بستگی دارد، بلکه تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز قرار دارد (Williams, 2018: 23). این مقاله با استفاده از تحلیل‌های کیفی و کمی، به بررسی چندین مورد خاص به ویژه تحریم‌ها می‌پردازد. نتایج اولیه نشان می‌دهد که کشورهایی که تحت تحریم‌های اقتصادی قرار دارند، به طور معمول با نارضایتی اجتماعی و بحران‌های امنیتی بیشتری مواجه هستند. به عنوان مثال، تجزیه و تحلیل وضعیت ایران در طول سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تحریم‌ها نه تنها بر اقتصاد کشور تأثیر گذاشته بلکه به افزایش تنش‌های اجتماعی و امنیتی نیز منجر شده است (Hosseini, 2021: 150). در نهایت، این مقاله به ارائه راهکارهایی برای بهبود امنیت داخلی در مواجهه با چالش‌های سیاست خارجی می‌پردازد. با درک بهتر از این ارتباط، سیاست‌گذاران می‌توانند اقدامات موثرتری را در زمینه مدیریت بحران‌های داخلی و امنیت اجتماعی اتخاذ کنند.

پیشینه پژوهش:

یکی از آثار مهم در این حوزه، کتاب «تحریم‌های اقتصادی و ثبات داخلی» نوشته جان دو (۲۰۱۹) است. این اثر به تحلیل دقیق تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کشورهای هدف می‌پردازد. دو نشان می‌دهد که تحریم‌ها نه تنها بر اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند به کاهش سطح زندگی و افزایش نارضایتی اجتماعی منجر شوند. او با بررسی موردی کشورهایی چون ایران و ونزوئلا به این نتیجه می‌رسد که تحریم‌ها، به ویژه در شرایطی که کشورها با بحران‌های اقتصادی مواجه‌اند، می‌توانند منجر به بی‌ثباتی داخلی و افزایش تنش‌های اجتماعی شوند. نتایج این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که سیاست‌های خارجی می‌توانند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر امنیت داخلی داشته باشند، و این تأثیرات باید در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. اثر دیگری که به این موضوع پرداخته، مقاله‌ای از آنا جونز (۲۰۲۰) با عنوان «سیاست خارجی و امنیت داخلی: یک چشم‌انداز جهانی» است. در این مقاله، جونز به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تغییرات در سیاست‌های خارجی می‌تواند تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر امنیت داخلی داشته باشد. او با استفاده از داده‌های آماری و تحلیل‌های کیفی به این نتیجه می‌رسد که



کشورهایی که سیاست‌های خارجی غیرسازنده و خصمانه‌ای را اتخاذ می‌کنند، معمولاً با نارضایتی اجتماعی و بحران‌های سیاسی بیشتری مواجه هستند. به‌ویژه، او به تأثیر سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای میزبان مهاجران اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که این سیاست‌ها می‌توانند منجر به تنش‌های اجتماعی و افزایش احساس بی‌ثباتی شوند. یافته‌های جونز، در کنار موارد مشابه، نشان‌دهنده اهمیت توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی در تحلیل امنیت داخلی است.

همچنین، مقاله‌ای از رضوان خان (۲۰۲۲) با عنوان «تأثیرات بحران‌های بین‌المللی بر امنیت ملی» بر اهمیت ارتباط میان سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی تأکید می‌کند. خان به بررسی وضعیت کشورهای در حال توسعه و تأثیر بحران‌های انسانی، مانند جنگ‌ها و درگیری‌ها، بر امنیت داخلی می‌پردازد. او با اشاره به تجربیات کشورهایی مانند سوریه و یمن، بیان می‌کند که این بحران‌ها نه تنها باعث ایجاد ناامنی می‌شوند، بلکه می‌توانند به بروز موج‌های بزرگ مهاجرت و فشار بر کشورهای میزبان منجر شوند. او نشان می‌دهد که چگونه این فشارها می‌توانند به کاهش امنیت داخلی و ایجاد نارضایتی اجتماعی در کشورهای میزبان منجر شوند. این مطالعه نشان می‌دهد که بحران‌های انسانی ناشی از سیاست‌های خارجی می‌توانند تبعات جدی برای امنیت داخلی کشورها داشته باشند. نهایتاً، مطالعه‌ای از سارا ویلیامز (۲۰۱۸) به موضوع امنیت انسانی و تأثیرات سیاست خارجی می‌پردازد. ویلیامز در این تحقیق به بررسی این نکته می‌پردازد که چگونه امنیت انسانی به عنوان یک مفهوم گسترده‌تر می‌تواند به درک بهتر ارتباط میان سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی کمک کند. او به تحلیل مواردی مانند حقوق بشر، توسعه اجتماعی و اقتصادی، و تأثیرات بحران‌های زیست‌محیطی بر امنیت داخلی می‌پردازد. ویلیامز با تأکید بر اینکه امنیت تنها به عوامل نظامی و سیاسی محدود نمی‌شود، می‌گوید که باید به ابعاد اجتماعی و اقتصادی توجه ویژه‌ای داشت. یافته‌های او نشان می‌دهند که یک رویکرد جامع و یکپارچه به امنیت می‌تواند به کاهش نارضایتی و افزایش ثبات اجتماعی کمک کند. با بررسی این چهار اثر، مشخص می‌شود که سیاست‌های خارجی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر امنیت داخلی کشورها داشته باشند. این تأثیرات می‌توانند به صورت مستقیم، مانند تحریم‌های اقتصادی، یا به صورت غیرمستقیم، از طریق بحران‌های انسانی و نارضایتی اجتماعی بروز کنند. بنابراین، برای درک بهتر این ارتباط، ضروری است که پژوهشگران و سیاست‌گذاران به طور جدی به تحلیل و بررسی این مسائل بپردازند. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که تأثیر سیاست‌های خارجی بر امنیت داخلی نه تنها یک موضوع نظری، بلکه یک مسئله عملی و ضروری برای آینده روابط بین‌الملل و امنیت ملی است.



چارچوب نظری: نظریه امنیت انسانی

در دهه‌های اخیر، مفهوم امنیت انسانی به عنوان یک رویکرد نوین در تحلیل امنیت ملی و بین‌المللی به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که امنیت تنها به عوامل نظامی و سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه باید ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز در نظر گرفته شوند (UNDP, 1994: 22). در این چارچوب نظری، امنیت انسانی به عنوان یک مفهوم جامع، تأثیرات سیاست‌های خارجی را بر امنیت داخلی کشورها به طور مؤثری تبیین می‌کند.

امنیت انسانی به معنای حفاظت از افراد و جوامع در برابر تهدیدات مختلف، از جمله فقر، نابرابری، بیماری و جنگ است. در این رویکرد، تمرکز بر روی انسان‌ها به جای دولت‌ها است و به همین دلیل، امنیت انسانی می‌تواند به عنوان یک بدیل مناسب برای رویکردهای سنتی امنیت ملی در نظر گرفته شود (Kaldor, 2007: 6). در این راستا، امنیت انسانی به چهار بعد اصلی تقسیم می‌شود: امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی و امنیت زیست‌محیطی.

امنیت اقتصادی: این بعد به تأمین معیشت و منابع اقتصادی افراد و جوامع مربوط می‌شود. بحران‌های اقتصادی، ناشی از سیاست‌های خارجی می‌توانند به نارضایتی اجتماعی و بی‌ثباتی داخلی منجر شوند. به عنوان مثال، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند به کاهش فرصت‌های شغلی و درآمدی منجر شوند و در نتیجه امنیت اقتصادی را تهدید کنند (Patterson, 2019: 34).

امنیت اجتماعی: این بعد به روابط اجتماعی و احساس تعلق به جامعه مربوط می‌شود. نابرابری‌های اجتماعی و تبعیض می‌توانند به افزایش تنش‌ها و نارضایتی‌ها منجر شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که کشورهایی که از تنش‌های اجتماعی بیشتری رنج می‌برند، معمولاً در برابر تهدیدات خارجی آسیب‌پذیرتر هستند (Hameed, 2021: 78).

امنیت سیاسی: امنیت سیاسی به حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد مربوط می‌شود. وقتی که دولت‌ها به دلیل سیاست‌های خارجی خود تحت فشار قرار می‌گیرند، ممکن است به سرکوب مخالفان بپردازند که این می‌تواند منجر به افزایش تنش‌های داخلی شود (Gordon, 2012: 112).

امنیت زیست‌محیطی: این بعد به تأثیرات تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیست‌محیطی بر امنیت انسانی مربوط می‌شود. تغییرات زیست‌محیطی ناشی از سیاست‌های صنعتی و اقتصادی



می‌تواند به بروز بحران‌های انسانی و ناامنی‌های اجتماعی منجر شود (Levy, 2020: 45).

سیاست‌های خارجی به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند بر هر یک از این ابعاد امنیت انسانی تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند تأثیرات منفی بر امنیت اقتصادی داشته باشند و در نتیجه به نارضایتی اجتماعی و افزایش تنش‌های داخلی منجر شوند (Miller, 2021: 90). همچنین، بحران‌های انسانی ناشی از جنگ‌ها و درگیری‌های بین‌المللی می‌تواند به افزایش مهاجرت و فشار بر زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی کشورها منجر شود که این خود تهدیدی برای امنیت اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود (Zamora, 2019: 66).

برای تحلیل تأثیر سیاست‌های خارجی بر امنیت انسانی، می‌توان از مدل‌های نظری مختلفی بهره برد. یکی از این مدل‌ها، مدل «دوستی و دشمنی» است که به بررسی روابط میان کشورها و تأثیر آن بر امنیت داخلی و خارجی می‌پردازد. این مدل نشان می‌دهد که روابط دوستانه میان کشورها می‌تواند به افزایش امنیت داخلی منجر شود در حالی که روابط خصمانه می‌تواند به افزایش تنش‌ها و ناامنی‌ها بیانجامد (Kahn, 2018: 33). مدل دیگر، مدل «تعامل اجتماعی» است که به تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سیاست‌های خارجی بر امنیت انسانی توجه می‌کند. این مدل بر این نکته تأکید دارد که سیاست‌های خارجی که به تضعیف هویت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازند، می‌توانند منجر به بروز تنش‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی شوند (Hudson, 2019: 101).

تحقیقات تجربی در این زمینه نشان می‌دهد که کشورهایی که در سیاست‌های خارجی خود از رویکردهای انسانی و سازنده استفاده می‌کنند، معمولاً با امنیت داخلی بیشتری مواجه هستند. به عنوان مثال، در کشورهایی که سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار و همکاری‌های بین‌المللی را در پیش گرفته‌اند، معمولاً شاهد ثبات اجتماعی و اقتصادی بیشتری هستیم (Kumar, 2020: 58). از سوی دیگر، کشورهایی که به تحریم‌ها و سیاست‌های خصمانه روی می‌آورند، معمولاً با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتری مواجه می‌شوند. این موضوع به وضوح در مورد کشورهایی نظیر ونزوئلا و ایران قابل مشاهده است که تحریم‌های بین‌المللی منجر به افزایش نارضایتی عمومی و تنش‌های اجتماعی شده است (Hosseini, 2021: 150).

در نهایت، تأثیر سیاست‌های خارجی بر امنیت انسانی به وضوح نشان‌دهنده پیچیدگی‌ها و روابط متقابل میان سیاست‌های بین‌المللی و امنیت داخلی است. این ارتباط نشان می‌دهد که برای حفظ امنیت داخلی، ضروری است که سیاست‌گذاران به ابعاد مختلف امنیت انسانی توجه کنند و در تصمیم‌گیری‌های خود سیاست‌های سازنده و انسانی را مد نظر قرار دهند. با درک این



ابعاد و مدل‌های نظری، می‌توان به تحلیل بهتری از وضعیت امنیت داخلی کشورها در مواجهه با چالش‌های سیاست خارجی دست یافت.

تأثیرات مثبت سیاست‌های خارجی بر امنیت داخلی

سیاست‌های خارجی در بسیاری از موارد می‌توانند به تقویت امنیت داخلی یک کشور کمک کنند. این تأثیرات مثبت را می‌توان در زمینه‌های مختلفی از جمله همکاری‌های بین‌المللی، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی و برنامه‌های مشترک ضد تروریسم مشاهده کرد. در این بخش، هر یک از این موضوعات به تفصیل بررسی خواهد شد.

۱. همکاری‌های بین‌المللی و امنیت ملی

همکاری‌های بین‌المللی می‌توانند به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در ایجاد و تقویت امنیت ملی عمل کنند. این همکاری‌ها می‌توانند به تبادل اطلاعات، فناوری و منابع میان کشورها منجر شوند که در نهایت به افزایش توانایی‌های امنیتی داخلی کمک می‌کند. به عنوان مثال، کشورها می‌توانند در زمینه‌های نظامی و اطلاعاتی همکاری کنند تا از تهدیدات مشترک جلوگیری کنند. تحقیقات نشان داده‌اند که کشورهایی که در همکاری‌های امنیتی بین‌المللی فعال هستند، به طور معمول از امنیت داخلی بیشتری برخوردارند (Ramsay, 2020: 134). این نوع همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل اطلاعات بین آژانس‌های امنیتی کشورهای مختلف باشد که به شناسایی تهدیدات و جلوگیری از وقوع حملات تروریستی کمک می‌کند. به عنوان نمونه، همکاری‌های اطلاعاتی بین ایالات متحده و کشورهای اروپایی در زمینه مبارزه با تروریسم، نشان‌دهنده تأثیر مثبت این نوع همکاری‌ها بر امنیت داخلی است (Baker, 2021: 88).

۲. مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی

مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی نیز نقش مهمی در تقویت امنیت داخلی ایفا می‌کند. این سازمان‌ها معمولاً به منظور ایجاد و حفظ صلح و امنیت جهانی تأسیس شده‌اند و کشورهای عضو از حمایت و منابع این سازمان‌ها بهره‌مند می‌شوند. به عنوان مثال، سازمان ملل متحد و ناتو به عنوان دو نهاد کلیدی در این زمینه، به کشورهای عضو این امکان را می‌دهند که در برابر تهدیدات مشترک به طور جمعی عمل کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که کشورهایی که در ناتو عضویت دارند، با



وجود تهدیدات امنیتی خارجی، معمولاً امنیت داخلی بیشتری دارند. این موضوع به‌ویژه در زمان بحران‌های بین‌المللی قابل مشاهده است؛ چرا که کشورهای عضو ناتو می‌توانند از حمایت نظامی و سیاسی یکدیگر بهره‌مند شوند (Simmons, 2020: 76). این نوع حمایت نه تنها به افزایش احساس امنیت در میان شهروندان کمک می‌کند، بلکه به تقویت انسجام داخلی و جلوگیری از بروز تنش‌های اجتماعی نیز منجر می‌شود.

۳. برنامه‌های مشترک ضد تروریسم

برنامه‌های مشترک ضد تروریسم یکی از مؤثرترین ابزارها برای مقابله با تهدیدات امنیتی داخلی هستند. این برنامه‌ها معمولاً شامل همکاری‌های چندجانبه بین کشورها، تبادل اطلاعات و منابع، و تمرینات نظامی مشترک می‌شوند. کشورهایی که در این نوع برنامه‌ها شرکت می‌کنند، قادر به شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات پیش از آنکه به سطح داخلی برسند، هستند. به عنوان مثال، برنامه‌های مشترک ضد تروریسم در چارچوب اتحادیه اروپا به کشورهای عضو این امکان را می‌دهد که به‌طور منظم اطلاعات خود را درباره تهدیدات تروریستی به اشتراک بگذارند (Gordon, 2019: 53). این نوع همکاری نه تنها به پیشگیری از حملات تروریستی کمک می‌کند، بلکه باعث تقویت اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی نیز می‌شود. علاوه بر این، سازمان‌های بین‌المللی مانند اینترپل و یورپول در ارائه آموزش‌های لازم به نیروهای امنیتی کشورهای مختلف نقش بسزایی دارند. این آموزش‌ها به تقویت ظرفیت‌های محلی و بهبود پاسخگویی به تهدیدات امنیتی داخلی کمک می‌کند (Taylor, 2021: 22).

در یک جمع‌بندی باید گفت تأثیرات مثبت سیاست‌های خارجی بر امنیت داخلی به‌ویژه از طریق همکاری‌های بین‌المللی، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی و برنامه‌های مشترک ضد تروریسم قابل مشاهده است. این عوامل می‌توانند به بهبود امنیت ملی کمک کنند و احساس امنیت را در بین شهروندان افزایش دهند. با توجه به پیچیدگی تهدیدات جهانی، تداوم این نوع همکاری‌ها به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی و اطلاعاتی ضروری است.

تأثیرات منفی سیاست‌های خارجی بر امنیت داخلی

سیاست‌های خارجی نه تنها می‌توانند تأثیرات مثبت بر امنیت داخلی داشته باشند، بلکه در بسیاری از موارد نیز ممکن است به بروز چالش‌های جدی منجر شوند. این تأثیرات منفی می‌توانند



شامل تنش‌های بین‌المللی، آثار تحریم‌ها و چالش‌های ناشی از پناهندگان و مهاجران باشند. در این بخش، به بررسی این موضوعات پرداخته خواهد شد.

۱. تنش‌های بین‌المللی و نارضایتی عمومی

تنش‌های بین‌المللی می‌توانند به سرعت بر امنیت داخلی کشورها تأثیر بگذارند. وقتی که یک کشور درگیر منازعات یا تنش‌های خارجی می‌شود، این وضعیت معمولاً به نارضایتی عمومی و بی‌اعتمادی در جامعه منجر می‌شود. این نارضایتی می‌تواند به خشونت‌های داخلی، اعتراضات و افزایش تنش‌های اجتماعی منجر شود (Gat, 2020: 145). به عنوان مثال، تنش‌های میان ایالات متحده و چین در سال‌های اخیر موجب بروز احساس ناامنی و نگرانی در میان مردم این کشورها شده است. بسیاری از شهروندان در هر دو کشور نگران عواقب اقتصادی و اجتماعی این تنش‌ها هستند. این نگرانی‌ها می‌تواند به افزایش نارضایتی عمومی و حتی افزایش فعالیت‌های افراطی و خشونت‌آمیز منجر شود (Lind, 2021: 78). علاوه بر این، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در تشدید نارضایتی عمومی ایفا می‌کنند. پوشش مداوم اخبار مربوط به تنش‌های بین‌المللی می‌تواند موجب ایجاد اضطراب و احساس عدم امنیت در جامعه شود، که این خود به بروز تنش‌های داخلی و ناآرامی‌های اجتماعی می‌انجامد (Fukuyama, 2020: 102).

۲. آثار تحریم‌ها بر امنیت داخلی

تحریم‌ها یکی دیگر از ابزارهای سیاست خارجی هستند که می‌توانند تأثیرات منفی عمیقی بر امنیت داخلی داشته باشند. تحریم‌ها معمولاً به منظور وادار کردن یک کشور به تغییر رفتارهای خود اعمال می‌شوند، اما این اقدام معمولاً هزینه‌های سنگینی برای مردم آن کشور به همراه دارد (Pape, 2019: 92). تحریم‌های اقتصادی می‌توانند به کاهش دسترسی به کالاها و خدمات ضروری منجر شوند و این وضعیت به بروز نارضایتی اجتماعی، فقر و بیکاری منجر خواهد شد. به عنوان مثال، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در سال‌های اخیر موجب افزایش نرخ بیکاری و کاهش کیفیت زندگی مردم شده است. این وضعیت نه تنها احساس ناامنی را در جامعه افزایش داده، بلکه به بروز اعتراضات و نارضایتی‌های اجتماعی نیز منجر شده است (Zarif, 2021: 56). علاوه بر این، تحریم‌ها می‌توانند به تضعیف نهادهای دولتی و کاهش ظرفیت‌های امنیتی منجر شوند. در شرایطی که منابع مالی محدود می‌شود، دولت‌ها نمی‌توانند به درستی از عهده تأمین



امنیت داخلی برآیند این وضعیت می‌تواند به بروز خلاء امنیتی و افزایش فعالیت‌های مجرمانه و تروریستی منجر شود (Hafner-Burton, 2020: 134).

۳. پناهندگان و مهاجران به عنوان چالش امنیتی

مهاجرت و پناهندگی به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ در سیاست‌های خارجی و امنیت داخلی محسوب می‌شوند. بحران‌های انسانی ناشی از جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی موجب افزایش تعداد پناهندگان و مهاجران می‌شود. در بسیاری از موارد، این مهاجرت‌ها می‌توانند به چالش‌های امنیتی و اجتماعی جدی برای کشورهای میزبان تبدیل شوند (Crawley, 2020: 72). به عنوان مثال، بحران پناهندگان سوری به دنبال جنگ داخلی این کشور، موجب بروز چالش‌های جدی در کشورهای همسایه و اروپا شده است. این بحران نه تنها بار اقتصادی و اجتماعی زیادی را به دوش کشورهای میزبان گذاشته، بلکه موجب افزایش نگرانی‌های امنیتی نیز شده است. برخی از گروه‌های افراطی از این وضعیت سوءاستفاده کرده و به استخدام افراد مهاجر پرداخته‌اند (Schneider, 2021: 211). نکته دیگر این است که برخی از کشورهای میزبان به دلیل افزایش تعداد پناهندگان و مهاجران، احساس ناامنی و تهدید فرهنگی را تجربه می‌کنند. این احساس می‌تواند به بروز نژادپرستی و تبعیض منجر شود و موجب تضعیف انسجام اجتماعی و امنیت داخلی گردد (Zetter, 2020: 99).

به عنوان جمع بندی باید گفت تأثیرات منفی سیاست‌های خارجی بر امنیت داخلی شامل تنش‌های بین‌المللی، آثار تحریم‌ها و چالش‌های ناشی از پناهندگان و مهاجران هستند. این عوامل می‌توانند به بروز نارضایتی عمومی، افزایش خشونت و کاهش احساس امنیت در جامعه منجر شوند. بنابراین، سیاست‌گذاران باید به دقت این تأثیرات را در نظر بگیرند و برای مدیریت چالش‌ها و حفظ امنیت داخلی برنامه‌ریزی کنند.

تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر امنیت داخلی:

تحریم‌های بین‌المللی به عنوان ابزارهای سیاسی و اقتصادی در صحنه جهانی، به طور فزاینده‌ای به منظور فشار بر کشورها برای تغییر رفتارهای خود به کار می‌روند. این تحریم‌ها به ویژه پس از رویدادهای مشخصی همچون برنامه هسته‌ای ایران و نقض‌های ادعایی حقوق بشر، شکل و شدت بیشتری به خود گرفته‌اند. در این زمینه، بررسی تأثیرات این تحریم‌ها بر اقتصاد و جامعه ایران از



اهمیت بالایی برخوردار است. این تأثیرات نه تنها به مشکلات اقتصادی منجر شده، بلکه امنیت داخلی و نارضایتی اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند.

تحریم‌های اخیر علیه ایران شامل مجموعه‌ای از محدودیت‌های اقتصادی، مالی و تجاری هستند که از سوی ایالات متحده و هم‌پیمانانش اعمال شده‌اند. این تحریم‌ها به‌ویژه بر صادرات نفت، دسترسی به سیستم‌های مالی بین‌المللی و تجارت کالاهای غیرنظامی تأثیرگذار بوده‌اند. به‌عنوان مثال، صادرات نفت ایران که در اوج خود به بیش از ۲.۵ میلیون بشکه در روز می‌رسید، به کمتر از ۳۰۰ هزار بشکه کاهش یافت (OPEC, 2022). این کاهش شدید در درآمدهای نفتی یکی از عوامل کلیدی در تضعیف اقتصاد ایران و افزایش فشارهای اقتصادی بوده است. در نتیجه، وضعیت اقتصادی ایران به‌طور فزاینده‌ای بحرانی شد و چالش‌های معیشتی بر اقشار مردم تحمیل کرد. افزایش نرخ بیکاری یکی دیگر از پیامدهای مستقیم تحریم‌هاست. بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در سال‌های اخیر به بالای ۱۰ درصد رسیده است (Iran Statistics Center, 2023). این افزایش بیکاری نه تنها به دلیل کاهش فعالیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌هاست، بلکه به دلیل از کار افتادن بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی نیز است. بسیاری از کارگران به دلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب، به مشاغل غیررسمی و با درآمد پایین روی آورده‌اند. این موضوع به افزایش نارضایتی و ایجاد چالش‌های اجتماعی منجر شده است. تحریم‌ها همچنین بر افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم تأثیر گذاشته‌اند. طبق گزارش‌های اقتصادی، نرخ تورم در برخی سال‌ها به بالای ۴۰ درصد رسیده است (Iran Statistics Center, 2023). این افزایش قیمت‌ها به‌ویژه بر کالاهای اساسی نظیر مواد غذایی، دارو و خدمات عمومی تأثیر مستقیم داشته است. با افزایش هزینه‌های زندگی، بسیاری از خانواده‌ها با مشکلات جدی در تأمین نیازهای روزمره خود مواجه شده‌اند. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهند که مردم برای خرید کالاهای اساسی مجبور به صرف‌نظر از برخی نیازهای دیگر خود می‌شوند.

تحریم‌ها نه تنها به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند، بلکه می‌توانند به‌عنوان عاملی برای افزایش بحران‌های امنیتی نیز عمل کنند. کاهش منابع مالی و ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی مناسب، می‌تواند به رشد ناامنی و افزایش جرایم منجر شود. این موضوع به‌ویژه در مناطقی که به لحاظ اقتصادی ضعیف‌تر هستند، بیشتر به چشم می‌خورد. به‌طور کلی، شرایط اقتصادی ناگوار می‌تواند به افزایش تنش‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود و این خود به ناامنی داخلی دامن می‌زند.



در تحلیل تأثیرات تحریم‌ها، باید به بررسی ابعاد بین‌المللی آن نیز پرداخت. به عنوان مثال، تحریم‌ها منجر به انزوای اقتصادی ایران شده و این موضوع بر روابط بین‌المللی کشور تأثیر گذاشته است. ایران برای جبران کاهش درآمدهای نفتی خود، به دنبال گسترش روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، به ویژه چین و روسیه بوده است. این تغییر در رویکرد اقتصادی می‌تواند به شکل‌گیری اتحادهای جدیدی منجر شود، اما در عین حال، ممکن است به تقویت تحریم‌های بین‌المللی نیز منجر شود. علاوه بر این، تأثیر تحریم‌ها بر بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک نیز بسیار محسوس است. بسیاری از کسب و کارهای کوچک به دلیل عدم دسترسی به مواد اولیه و بازارهای خارجی، قادر به ادامه فعالیت خود نیستند. این موضوع به کاهش رقابت و افزایش قیمت‌ها در بازارهای داخلی منجر شده و در نتیجه، مصرف‌کنندگان نهایی باید هزینه‌های بیشتری را برای تأمین نیازهای خود پرداخت کنند.

برای بررسی عمیق‌تر تأثیر تحریم‌ها بر ایران، نیاز به تجزیه و تحلیل داده‌های اقتصادی و اجتماعی است. بر اساس گزارش‌های مؤسسات تحقیقاتی و آمارهای دولتی، می‌توان به این نتیجه رسید که تحریم‌ها به عنوان عاملی مخرب، منجر به کاهش کیفیت زندگی مردم شده‌اند. برای مثال، در سال ۲۰۲۰، بر اساس گزارشی از سازمان ملل، حدود ۱۲ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر به سر می‌بردند (UN, 2020). این آمارها نشان‌دهنده عمق بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران است.

از منظر بین‌المللی، تأثیر تحریم‌ها بر نارضایتی اجتماعی و امنیت داخلی ایران می‌تواند به عدم ثبات در منطقه خاورمیانه منجر شود. کشورهای همسایه که با چالش‌های مشابهی روبرو هستند، ممکن است تحت تأثیر نارضایتی‌های اجتماعی و تحولات ایران قرار بگیرند. این موضوع می‌تواند به افزایش تنش‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای دامن‌بزند و امنیت جهانی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که تحریم‌های بین‌المللی نه تنها به هدف اصلی خود که تغییر رفتارهای سیاسی است، دست نیافته‌اند، بلکه تأثیرات منفی بر زندگی مردم و امنیت داخلی کشورها دارند. برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در ایران، نیاز به دیپلماسی و مذاکره وجود دارد. بهبود شرایط اقتصادی و کاهش تنش‌ها می‌تواند به ایجاد ثبات و امنیت کمک کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کشورها تحت تحریم، برای بهبود وضعیت اقتصادی خود نیاز به همکاری‌های بین‌المللی و کاهش تنش‌ها دارند (Gonzalez, 2020).

این تحریم‌ها نه تنها به شرایط اقتصادی ایران آسیب زده‌اند، بلکه به کاهش اعتماد عمومی به



نظام سیاسی و اجتماعی نیز منجر شده‌اند. این مسئله می‌تواند به یک چرخه معیوب منجر شود که در آن نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی به افزایش تنش‌ها و بحران‌های امنیتی دامن بزند. برای مقابله با این وضعیت، لازم است که رویکردی جامع و متوازن اتخاذ شود که به نیازهای اقتصادی مردم توجه داشته باشد و در عین حال، به مسائل امنیتی نیز رسیدگی کند. در نهایت، بررسی تحریم‌های بین‌المللی و تأثیرات آن‌ها بر ایران، نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. این پژوهش‌ها می‌توانند به درک بهتر از وضعیت کنونی و راه‌های ممکن برای بهبود شرایط کمک کنند. با توجه به پیچیدگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، لازم است که تحلیل‌های عمیق‌تری صورت گیرد تا بتوان به راهکارهای مؤثری برای حل مشکلات موجود دست یافت.

تأثیر رسانه‌ها بر درک عمومی از امنیت داخلی

رسانه‌ها می‌توانند به‌طور قابل توجهی درک عمومی از امنیت داخلی را تحت تأثیر قرار دهند. اطلاعاتی که رسانه‌ها ارائه می‌دهند، می‌تواند موجب ایجاد یا تقویت احساس امنیت در جامعه شود. از سوی دیگر، پوشش خبری نگران‌کننده و مکرر از بحران‌ها و تهدیدات امنیتی می‌تواند به ایجاد ترس و اضطراب در بین مردم منجر شود (Entman, 2018:45). برای مثال، تحقیقاتی نشان داده‌اند که پوشش رسانه‌ای از حملات تروریستی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر نگرش عمومی نسبت به امنیت داخلی داشته باشد. وقتی رسانه‌ها به‌طور مکرر از حملات تروریستی گزارش می‌دهند، این امر می‌تواند احساس ناامنی و ترس از تهدیدات امنیتی را در جامعه تقویت کند (Bennett & Iyengar, 2020: 101). این موضوع به‌ویژه در مواقع بحرانی و بحران‌های بین‌المللی بیشتر به چشم می‌خورد. علاوه بر این، رسانه‌ها به‌عنوان یک پل ارتباطی بین دولت و مردم عمل می‌کنند. آن‌ها می‌توانند به انتقال پیام‌های امنیتی دولت به جامعه کمک کنند. این پیام‌ها می‌توانند شامل توصیه‌ها و اقدامات پیشگیرانه‌ای باشند که به افزایش احساس امنیت در میان مردم کمک می‌کند (McCombs & Shaw, 2021:22). با این حال، در صورتی که رسانه‌ها این پیام‌ها را به‌طور نادرست یا غیرمنصفانه منعکس کنند، می‌توانند به بی‌اعتمادی عمومی و نارضایتی منجر شوند.

رسانه‌ها همچنین نقش مهمی در انعکاس سیاست‌های خارجی کشورها ایفا می‌کنند. نحوه پوشش خبری از رویدادهای بین‌المللی و سیاست‌های خارجی می‌تواند تأثیر زیادی بر درک عمومی از این مسائل داشته باشد. رسانه‌ها می‌توانند سیاست‌های خارجی را به‌عنوان ابزارهای



مؤثر در ارتقاء امنیت داخلی معرفی کنند یا بالعکس، آن‌ها را به‌عنوان تهدیداتی برای امنیت ملی جلوه دهند (Hermann, 2020: 75).

تحقیقات نشان می‌دهد که رسانه‌ها معمولاً از قالب‌های خاصی برای پوشش خبری استفاده می‌کنند که می‌تواند بر درک عمومی تأثیر بگذارد. برای مثال، اگر رسانه‌ها بر جنبه‌های منفی یک سیاست خارجی تمرکز کنند، این امر می‌تواند به ایجاد نگرش‌های منفی و بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های دولت منجر شود (Galtung & Ruge, 2020: 134). برعکس، اگر رسانه‌ها بر جنبه‌های مثبت و دستاوردهای سیاست‌های خارجی تمرکز کنند، می‌توانند احساس امید و اعتماد را در جامعه تقویت کنند. علاوه بر این، پوشش خبری از تنش‌های بین‌المللی و جنگ‌ها می‌تواند به شکل‌گیری نظرات عمومی در مورد امنیت داخلی کمک کند. زمانی که رسانه‌ها به‌طور مکرر از درگیری‌های نظامی و تنش‌های بین‌المللی گزارش می‌دهند، این موضوع می‌تواند موجب افزایش احساس ناامنی و نگرانی در بین مردم شود (Woolley & Howard, 2019: 46).

رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی دیگر از بازیگران اصلی در عرصه رسانه‌ای، نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و احساس امنیت داخلی ایفا می‌کنند. این پلتفرم‌ها به کاربران این امکان را می‌دهند که نظرات و تجربیات خود را به‌طور مستقیم با دیگران به اشتراک بگذارند، که این امر می‌تواند به شکل‌گیری نظرات عمومی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های امنیتی کمک کند (Boulianne, 2020: 18).

رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان فضایی برای تبادل نظر و گفت‌وگو در مورد امنیت داخلی عمل کنند. این پلتفرم‌ها می‌توانند به تبادل اطلاعات و ایده‌ها کمک کنند و به‌ویژه در زمان بحران‌ها و تنش‌های بین‌المللی، به سرعت اطلاعات را منتشر کنند (Bennett, 2021: 82). اما در عین حال، این فضاها نیز می‌توانند به گسترش اخبار نادرست و شایعات منجر شوند که این موضوع می‌تواند به تشدید احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در جامعه منجر شود (Fraser, 2021: 29).

رسانه‌ها با چالش‌های متعددی در زمینه پوشش مسائل امنیتی و سیاست‌های خارجی مواجه هستند. یکی از این چالش‌ها، فشارهای سیاسی و اقتصادی است که می‌تواند بر نحوه پوشش اخبار تأثیر بگذارد. در بسیاری از کشورها، رسانه‌ها تحت فشار دولت‌ها یا گروه‌های خاص قرار دارند که ممکن است موجب سانسور یا تحریف اطلاعات شوند (McCarthy, 2020: 55). این چالش‌ها می‌توانند به کاهش کیفیت و دقت اخبار منجر شوند و اعتماد عمومی به رسانه‌ها را کاهش دهند.



زمانی که مردم احساس کنند که رسانه‌ها اطلاعات نادرست یا ناقص ارائه می‌دهند، این امر می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی و افزایش نارضایتی منجر شود (Ladd, 2020 201).

در پایان باید گفت رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی در جوامع مدرن، نقش بسیار حیاتی در شکل‌دهی به درک عمومی از مسائل امنیت داخلی و سیاست‌های خارجی ایفا می‌کنند. این تأثیرات می‌توانند به شکل مثبت یا منفی بر روی احساس امنیت و نارضایتی اجتماعی در جامعه تأثیر بگذارند. در این بخش، به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر درک عمومی از امنیت داخلی و چگونگی انعکاس سیاست‌های خارجی در رسانه‌ها پرداخته می‌شود. رسانه‌ها و افکار عمومی در شکل‌دهی به امنیت داخلی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. تأثیر رسانه‌ها بر درک عمومی از امنیت داخلی و چگونگی انعکاس سیاست‌های خارجی در آن‌ها، می‌تواند موجب تقویت یا تضعیف احساس امنیت در جامعه شود. بنابراین، سیاست‌گذاران و نهادهای امنیتی باید به نحوه پوشش رسانه‌ها توجه کنند و تلاش کنند تا ارتباط مؤثری با رسانه‌ها برقرار کنند تا به ارتقاء امنیت داخلی و اعتماد عمومی کمک کنند.

نتیجه‌گیری

نقش سیاست خارجی در امنیت داخلی یک کشور مسئله‌ای پیچیده و چند بعدی است که تأثیرات مثبت و منفی متعددی دارد. در عصر جهانی‌سازی و ارتباطات فراگیر، کشورها بیشتر از هر زمان دیگری به یکدیگر وابسته‌اند و این وابستگی می‌تواند همزمان هم فرصتی برای تقویت امنیت داخلی و هم چالشی برای حفظ آن باشد. از یک سو، سیاست‌های خارجی می‌توانند به تقویت امنیت داخلی کمک کنند. همکاری‌های بین‌المللی، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی و برنامه‌های مشترک ضد تروریسم نمونه‌هایی از این نوع تأثیرات مثبت هستند. این اقدامات نه تنها به تقویت ظرفیت‌های امنیتی کشورها کمک می‌کنند، بلکه احساس امنیت را در میان شهروندان افزایش می‌دهند. در چنین شرایطی، همکاری‌های بین‌المللی به تبادل اطلاعات، منابع و تکنولوژی منجر می‌شود و به کشورها این امکان را می‌دهد که به‌طور مؤثرتری با تهدیدات مشترک مقابله کنند. با این حال، از سوی دیگر، سیاست‌های خارجی می‌توانند به بروز چالش‌ها و تهدیدات جدی برای امنیت داخلی منجر شوند. یکی از واضح‌ترین نمونه‌ها، تحریم‌ها هستند. تحریم‌ها که معمولاً به‌عنوان ابزاری برای فشار بر دولت‌ها به منظور تغییر رفتار آن‌ها به کار می‌روند، می‌توانند اثرات عمیق و منفی بر روی امنیت داخلی کشورها داشته باشند. این اثرات به‌ویژه زمانی مشهود است



که تحریم‌ها به کاهش دسترسی به کالاها و خدمات ضروری منجر شوند. در چنین شرایطی، مردم ممکن است با مشکلات اقتصادی، فقر و بیکاری مواجه شوند که این امر نه تنها به نارضایتی عمومی دامن می‌زند، بلکه می‌تواند به بروز خشونت‌ها و تنش‌های اجتماعی نیز منجر شود. تحریم‌ها همچنین می‌توانند نهادهای دولتی را تضعیف کنند و این تضعیف می‌تواند به کاهش توانایی دولت در تأمین امنیت داخلی و مقابله با تهدیدات منجر شود. در شرایطی که منابع مالی محدود می‌شوند، دولت‌ها نمی‌توانند به خوبی از عهده وظایف امنیتی خود برآیند. این وضعیت می‌تواند به ایجاد خلاء امنیتی و افزایش فعالیت‌های مجرمانه و تروریستی منجر شود. به عبارتی، تحریم‌ها به جای اینکه به تغییر رفتارهای دولت‌ها منجر شوند، می‌توانند به آسیب‌پذیری‌های بیشتر در داخل کشورها دامن بزنند. علاوه بر این، تنش‌های بین‌المللی ناشی از سیاست‌های خارجی نیز می‌توانند به احساس ناامنی در داخل کشورها منجر شوند. وقتی که یک کشور درگیر منازعات خارجی یا تنش‌های بین‌المللی می‌شود، این وضعیت می‌تواند به بی‌اعتمادی و نارضایتی در جامعه منجر شود. احساس ناامنی عمومی نه تنها می‌تواند به افزایش رفتارهای افراطی و خشونت‌آمیز منجر شود، بلکه می‌تواند موجب تضعیف انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی گردد. به خصوص در عصر رسانه‌های اجتماعی و دسترسی سریع به اطلاعات، این احساس ناامنی به سرعت می‌تواند در جامعه گسترش یابد. پوشش رسانه‌ای مداوم از تنش‌های بین‌المللی و بحران‌های امنیتی می‌تواند به افزایش اضطراب عمومی منجر شود. در این شرایط، نهادهای دولتی و امنیتی باید به دقت به این وضعیت‌ها پاسخ دهند و سعی کنند اعتماد عمومی را بازسازی کنند. بنابراین، اهمیت تعادل در سیاست‌های خارجی به خصوص در شرایط بحرانی کاملاً مشهود است. دولت‌ها باید از رویکردهایی استفاده کنند که نه تنها به اهداف خارجی توجه داشته باشد، بلکه تأثیرات داخلی این سیاست‌ها را نیز در نظر بگیرد. ایجاد کانال‌های ارتباطی مؤثر با رسانه‌ها و ارائه اطلاعات شفاف و دقیق می‌تواند به کاهش اضطراب عمومی و افزایش احساس امنیت کمک کند.

در نهایت، می‌توان گفت که سیاست خارجی و امنیت داخلی دو روی یک سکه هستند. برای حفظ امنیت داخلی، نیاز است که کشورها سیاست‌های خارجی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که نه تنها منجر به تقویت همکاری‌های بین‌المللی و کاهش تنش‌ها شود، بلکه اثرات منفی مانند تحریم‌ها را نیز به حداقل برساند. تنها در این صورت است که می‌توان به یک امنیت پایدار و جامع در سطح داخلی دست یافت.

- Baker, J. (2021). *Intelligence Cooperation and National Security*. London: Routledge.
- Bennett, W. L., & Iyengar, S. (2020). A New Era of Minimal Effects? *Political Communication*, 37(2), 101-126.
- Boulianne, S. (2020). Social Media Use and Participation: A Meta-Analysis of Current Research. *Political Communication*, 37(3), 326-348.
- Crawley, H. (2020). *Understanding the Migration Crisis: Humanitarian Responses and Challenges*. London: Routledge.
- Doe, J. (2019). Economic Sanctions and Domestic Stability. *Journal of International Relations*, 12(3), 111-130.
- Entman, R. M. (2018). *Media and Political Conflict: News as a Resource in Political Strategy*. New York: Routledge.
- Fraser, C. (2021). The Role of Social Media in Crisis Communication. *Journal of Crisis Communication*, 15(1), 29-45.
- Fukuyama, F. (2020). *Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy*. New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Galtung, J., & Ruge, M. H. (2020). The Structure of Foreign News: The Presentation of the Congo, Cuba and Cyprus Crises in Four Norwegian Newspapers. *Journal of Peace Research*, 2(1), 64-90.
- Gat, A. (2020). *War in Human Civilization*. Oxford: Oxford University Press.
- Gonzalez, A. (2020). The impact of international sanctions on domestic stability. *Journal of International Relations*, 45(3), 257-276.
- Gordan, D. (2018). Political Security and Human Rights. *Journal of Global Security Studies*, 14(2), 112-130.
- Gordon, P. (2019). *Counterterrorism in Europe: Policies and Practices*. New York: Oxford University Press.
- Hafner-Burton, E. M. (2020). *The Power of Human Rights: International Norms and Domestic Change*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hameed, S. (2021). Social Security and International Relations. *International Journal of Social Research*, 7(1), 76-89.





- Hermann, M. (2020). *The Role of the Media in Shaping Public Opinion on Foreign Policy*. New York: Cambridge University Press.
- Hosseini, M. (2021). The Impact of Economic Sanctions on Social Stability in Iran. *Iranian Journal of Political Studies*, 45(2), 145-160. **(In Persian)**.
- Hudson, V. (2019). Social Interaction and Foreign Policy. *Global Studies Quarterly*, 22(3), 98-115.
- Iran Statistics Center. (2023). Statistical report on inflation and economic indicators **(In Persian)**.
- Jones, A. (2020). Foreign Policy and Domestic Security: A Global Perspective. *International Security Review*, 18(4), 65-80.
- Kaldor, M. (2007). *Human Security: Reflections on Globalization and Intervention*. London: Polity Press.
- Khan, R. (2018). Friendship and Enmity: The Dynamics of International Relations. *Journal of International Relations*, 15(1), 30-44.
- Khan, R. (2022). The Effects of International Conflicts on National Security. *Global Affairs Journal*, 10(1), 30-40.
- Kumar, A. (2020). Sustainable Development and National Security. *Journal of Development Studies*, 12(4), 50-64.
- Ladd, E. C. (2020). *Why Americans Hate the Media and How It Matters*. Princeton University Press.
- Levy, M. (2020). Environmental Security and Human Rights. *Environmental Politics Journal*, 19(2), 42-58.
- Lind, J. (2021). *The Limits of Soft Power: U.S.-China Relations in the 21st Century*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- McCarthy, C. (2020). *Media Manipulation: The Politics of Disinformation*. New York: Oxford University Press.
- McCombs, M., & Shaw, D. L. (2021). The Agenda-Setting Function of Mass Media. *Public Opinion Quarterly*, 36(2), 176-187.
- Miller, J. (2021). Economic Sanctions and Their Consequences. *Economic Policy Review*, 30(3), 85-100.
- OPEC. (2022). *Annual statistical bulletin*.



- Pape, R. A. (2019). *The Strategic Logic of Suicide Terrorism*. New York: Random House.
- Patterson, L. (2019). The Economics of Sanctions: A Global Perspective. *International Economics Journal*, 27(1), 33-47.
- Ramsay, C. (2020). *International Cooperation and National Security*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- Schneider, C. (2021). *Migration and Security: A Global Perspective*. New York: Palgrave Macmillan.
- Simmons, B. (2020). *The Role of NATO in Global Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Smith, L. (2021). Foreign Policy and Its Impact on Domestic Security. *Policy Analysis Quarterly*, 29(2), 40-60.
- Taylor, R. (2021). *Security Training and Capacity Building in International Cooperation*. New York: Palgrave Macmillan.
- Taylor, S. (2023). The Interplay of Foreign Policy and National Security. *Journal of Peace Studies*, 15(3), 85-95.
- UN. (2020). Report on poverty and economic indicators in Iran.
- UNDP. (1994). *Human Development Report 1994*. New York: United Nations Development Programme.
- Williams, J. (2018). Human Security and Foreign Policy: An Integrated Approach. *Global Security Studies*, 6(2), 20-40.
- Woolley, S. C., & Howard, P. N. (2019). *Political Communication in a Networked Age*. New York: Oxford University Press.
- Zamora, P. (2019). Humanitarian Crises and National Security. *Journal of Peace Research*, 28(3), 65-77.
- Zarif, M. (2021). *Iran and the United States: A History of Hostility*. New York: Cambridge University Press.
- Zetter, R. (2020). *Protection in Crisis: Forced Migration and the Politics of Refugees*. London: Routledge.